

ای شوین

ای شوین!

هر آن تو پیرمایل بسته ام  
 فضیله ها در دقش دل بسته ام  
 نه باز عمر شسته گزاف و اوج گیر  
 که اوج و اسرار یک پرواز گیر تو  
 آواز زندگی رسید از کوهستان پر شوین  
 که بوی روح برسد آواز ای شوین  
 از مایه حوره که تخمناک بودی  
 امر را ز دار خاطره که حواقی ام

ای شوین  
 که خنده و در شکم در دل است  
 آری تو شوین تو  
 دوستی از نهانی ام

ای شوین  
 بن بست ای تو هم نگو در  
 افسانه ای شغوفه مناسبت را  
 تصویر تو خدایه من مرا  
 چو لاله در بارزه آینه در را

ای شوین  
که تمام از او فرزند است

۱۳۴۰

شاه

با من بیا  
 اگر بگردی با منت

+ + +